

# همبستگی جهانی با مردم کوبا، نیرومند تر می شود!

هیئت نمایندگی حزب  
توده ایران، در کنفرانس  
جهانی همبستگی با  
مردم کوبا

در صفحه ۳

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۹۷، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۸ آذر ۱۳۷۹



## دومین شماره مجله «دنیا» منتشر شد

بنیانگذار دکتر نفی ایرانی

کارگران همه کشورها متحد شوید!



# دنیا

دینا، دوره هشتم، سال دوم، شماره ۲، آبان ۱۳۷۹

### فهرست شماره ۲

- ۱ ص ایران در آخرین سال ریاست جمهوری خاتمی - ارزیابی آسیب شناسانه از جنبش مردمی در مصاف با ارتجاع حاکم
- ۱۴ ص به یاد رفیق فاطمه مدرسی - زن برآستی زن بود، دلیر بود، ایران ده سال پس از سیاست «تعدیل اقتصادی» - بحثی پیرامون مختصات کلی سیاست اقتصادی مردمی
- ۲۱ ص استادی از جنایات امپریالیسم در آفریقا
- ۲۴ ص «در آستان اطللسین سحرگاه» به یاد فرزانه و اندیشمند انقلابی رفیق احسان طبری
- ۵۷ ص بحران سرمایه داری، «جهانی شدن» و پاسخ طبقه کارگر خون شاعر - الکساندر پوشکین دموکرات انقلابی و بزرگترین شاعر روس
- ۷۷ ص داستان - همین جا و می ایستی تا بقیه را یارون
- ۹۴ ص پسرک کنار ساحل
- ۱۰۵ ص

با انتشار از ایچ و سایه

دومین شماره مجله «دنیا»، مورخ آبان ماه ۱۳۷۹ منتشر شد. در این شماره «دنیا»، از جمله مقالاتی با عناوین زیر به چشم می خورد:

- ایران در آخرین سال ریاست جمهوری خاتمی - ارزیابی آسیب شناسانه از جنبش مردمی در مصاف با ارتجاع حاکم،
- به یاد رفیق فاطمه مدرسی - زن برآستی زن بود، دلیر بود،
- ایران ده سال پس از سیاست «تعدیل اقتصادی» - بحثی پیرامون مختصات کلی سیاست اقتصادی مردمی،
- «در آستان اطللسین سحرگاه»، به یاد فرزانه و اندیشمند انقلابی رفیق احسان طبری،
- بحران سرمایه داری، «جهانی شدن» و پاسخ طبقه کارگر،
- خون شاعر... الکساندر پوشکین دموکرات انقلابی و بزرگترین شاعر روس.

## «آرامش فعال»، باتلاقی که جنبش اصلاح طلبی را در خود فرو می بلعد

• خاتمی: اختیار کافی ندارم

• نبوی: ساختار حکومت به گونه ای نیست که همه تصمیمات دولت و مجلس قابل اجرا باشد

این یورش آشکار و وسیع، ضمن دعوت مردم به «مدارا، صبر و تحمل»، استراتژی «آرامش فعال» را با پنهان شدن زیر شعار دوری از «خشونت» مطرح کرد. ما به موقع خود مطرح کردیم که، تنها نیروهای مدافع خشونت و خونریزی در میهن ما حاکمان کنونی اند، که در شما، «ولی فقیه»، شورای نگهبان ارتجاع، قوه بیدادگر قضائیه و ده ها نهاد مسلح و نیمه مسلح آماده اند تا برای حفظ حکومتشان به هر جنایت و ترفندی دست بزنند. بنابراین، متهم کردن نیروهای مردمی، و خصوصاً اپوزیسیون دموکراتیک رژیم به «تند روی» و «دفاع از روش های غیر مسالمت آمیز»، در تحلیل نهایی چیزی جز ریختن آب به آسیاب ارتجاع و مدافعان خشونت و خونریزی نیست. تجربه حداقل سه سال گذشته بدفعات نشان داده است که، مماشات، تسلیم و عقب نشینی از مواضع، توسط نیروهای اصلاح طلب، زمینه ساز جسارت بیش از پیش نیروهای مدافع استبداد و لگدمال کردن حقوق مردم است.

حال با گذشت چند ماه از طرح سیاست «آرامش فعال» از سوی برخی از رهبران سیاسی جبهه دوم خرداد، باید دید که حاصل این سیاست در عمل چه بوده است، و امروز جنبش مردمی در برابر چه معضلاتی قرار گرفته است. سیاست «آرامش فعال» که، تاکنون در عمل چیزی جز سکوت و بی عملی بخشی از رهبران جبهه دوم خرداد (و تسلیم و کرنش بخشی دیگر همچون کروی (ها) در برابر یورش های پی در پی نیروهای ارتجاعی

بحث بر سر آینده تحولات میهن ما، با توجه به مسایلی که در ماه های اخیر رخ داده است، وارد مرحله حساس و تعیین کننده بی شده است. یورش عربان «ولی فقیه» به مجلس، جلوگیری از تغییر لایحه ضد دموکراتیک مطبوعات، و بدین ترتیب گوشزد کردن بی حقوقی نمایندگان منتخب مردم در برابر رأی و اراده «ولی فقیه»، یورش گسترده به نشریات و بستن ۳۰ روزنامه و مجله مدافع اصلاحات، در کنار دستگیری شمار زیادی از نویسندگان و روزنامه نگاران اصلاح طلب، و همچنین تهاجم وسیع، و وحشیانه مزدوران سپاه و انصار «ولی فقیه» به اردوی دفتر تحکیم وحدت در خرم آباد، از جمله حوادث و رویدادهایی بوده اند که در ماه های اخیر جنبش مردمی و مدافع اصلاحات را با چالش های جدی روبه رو کرده است. بر این وقایع، تشدید جو اختناق و فشار، فریاد های مرتجعانی همچون خزعلی برای کشتار مخالفان و تهدیدهای رئیس قوه قضائیه درباره ضرورت سخن گفتن با زبان زور و شمشیر و همچنین فشار و شکنجه روزنامه نگاران دستگیر شده برای توبه و به راه انداختن برنامه های مضمض کننده «هویت» توسط چماق داران مطبوعاتی و شکنجه گرانی همچون شریعتمداری، را باید افزود تا تصویر دقیق تری از ابعاد بحران و خطراتی که جنبش مردمی را تهدید می کند، ترسیم کرد. رهبری سیاسی جبهه دوم خرداد، با بروز نخستین نشانه های

ادامه در صفحه ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

# برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## تلاش برای درهم شکستن زندانیان سیاسی

روزنامه «همبستگی»، در شماره روز دوشنبه ۳۰ آبان، از قول شماری از زندانیان سیاسی دربند نوشت که، می خواهند آنها را وادار به نوشتن نامه و اقرار به پشیمانی کنند... اکبر گنجی، عمادالدین باقی، لطیف صفری، شمس الواعظین و احمد زید آبادی تصریح کردند: «تحریکاتی صورت می گیرد که ما را وادار به نوشتن نامه و اقرار به پشیمانی کنند و از این طریق به حیثیت اصلاح طلبان ضربه وارد کنند، اما ما در مقابل این مسئله مقاومت می کنیم.» این اظهارات موقعی منتشر می شود که روزنامه معلوم الحال «کیهان»، مصاحبه بی را با ابراهیم نبوی انجام داده که در آن نشانه هایی از این موارد به خوبی مشهود است. رژیم ولایت فقیه، در گذشته و به کرات چنین سیاست هایی را در مورد دیگر زندانیان سیاسی به مرحله اجرا در آورد و سپس با حذف فیزیکی آنها از طریق شکنجه، اعدام و سر به نیست کردن، به خیال خود خواست به اهداف پلیدش جامه عمل بپوشاند. ترفندهایی که تاریخ مصرف آن به سر رسیده است بار دیگر و به شکلی همچون سابق به مورد آزمایش گذاشته می شود. در این شیوه با تهدید، شکنجه، تحت فشار قرار دادن زندانی و خرد کردن او از طریقی که سعید امامی ها، شریعتمداری ها و لاجوردی ها ابداع کرده و اجراکننده آن بودند، قدم به قدم اهداف خود را به مورد عمل در می آورند. تفاوت این اعمال جنایت کارانه با سابق، تنها در طیف قربانیان آن است. اگر قربانیان دیروزی این اعمال پلید و ضد انسانی در گذشته عمدتاً نیروهای دگراندیش و اپوزیسیون رژیم بودند امروز همان اعمال به نیروهای خودی، جبهه رفتگان، خانواده شهید داده ها، مجروحان جنگی و فرزندانشان اعمال می شود.

## همه پرسى برای اصلاحات

زمزمه هایی مبنی بر همه پرسى و رجوع به آرای عمومی و رفرندام برای موضوع اصلاحات، که اخیراً توسط اصلاح طلبان درون حکومتی طرح شده، باعث واکنش هایی از سوی جناح مقابل گردید. روزنامه «انتخاب»، با اشاره به ایراد چنین سخنانی نوشت: «نگاهی گذرا به موضع گیری افراد و گروه های سیاسی داخل نظام (اعم از جناح چپ و راست و مسقلین) مویب این نکته است که همه، بر ضرورت انجام اصلاحات در کشور اتفاق نظر دارند. به عبارت دیگر، وقتی کاملاً روشن است که همه آحاد و تشکل های جامعه پاسخ «آری» به اصلاحات داده اند، همه پرسى چه معنایی خواهد داشت.» (روزنامه اطلاعات بین المللی دوشنبه ۳۰ آبان) روزنامه انتخاب در جایی دیگر می نویسد: «با وجود آن که بیش از دو سال است موضوع اصلاحات به عنوان مهم ترین نیاز جامعه ما، مطرح شده، هنوز هیچ گروه و تشکل سیاسی، نخواستار یا نتوانسته است تعریفی درست از آن را ارائه دهد و بگوید اصلاحات مورد نظر او چیست؟ تا زمانی که وضع بدین گونه است، برگزاری رفرندوم چه می تواند بکند؟» و در پایان پس از تشریح مواردی دیگر

## نگاهی به رویدادهای ایران

### در هفته ای که گذشت

آورده است: «با توجه به دلایل پیش گفته، اساساً برگزاری رفراندوم در شرایط کنونی امکان پذیر نیست». لازم به تذکر است که، مزروعی نماینده اصفهان در یک نطق در مجلس اظهار داشت: «اگر اقلیت بخواهد جدای از مخالفت نظری، به لحاظ عملی با استفاده از امکانات حکومتی به مانع تراشی و کارشکنی و ایجاد انسداد سیاسی در پیشبرد اراده قاطبه ملت یعنی اصلاحات بپردازد به طور طبیعی این حق برای اصلاح طلبان وجود دارد که از امکانات قانونی خود در مراجعه به آرای عمومی استفاده کنند» (همبستگی، پنجشنبه ۲۶ آبان).

با اینکه چنین بحثی مدت زیادی نیست که مطرح گردیده، بدون اینکه بخواهیم اصولاً این بحث را نفی یا تخطئه کنیم و یا از مطرح کردن این نوع پیشنهاد استقبال کنیم به چند نکته در این باره اشاره می کنیم. کسانی که رویداد دوم خرداد را تجزیه و تحلیل می کنند بر یک نکته آگاهی کامل دارند و آن نکته نوع برداشتی بود از شرکت مردم در آن انتخابات می شد. این انتخابات و حتی انتخابات بعدی، پیش از آنکه رای به شخص و جریانی خاص باشد، نفی یک جریان سرکوب گری بود که بیش از دو دهه حکومت بر ایران، کشور را تا آستانه یک فاجعه پیش برده است. اگر قدری به مسایل ایران با دید واقع بینانه برخورد کنیم نتیجه بی بیشتر از این به دست نخواهد آمد. این نکته بی است که حکومتیان از هر دو جناح به آن واقفند. تنها مسئله بی که در اینجا می ماند همانا دید و نوع نگرش در باره مشارکت مردم است. اگر قرار باشد که در جریان یک رفراندوم از مردم استفاده جناحی بشود باید گفت در این زمینه اصلاح طلبان حکومتی به هر حال به آن نقطه مورد دلخواه رسیده اند. انتخابات چند سال گذشته با اینکه نماد واقعی تنفر و انزجار توده های زجر کشیده از رژیم ولایت فقیه بود اما در همان حال باعث گردید کسانی با شعارهای اصلاح طلبی مناصب دولتی را در دست بگیرند. مردم در هر عرصه بی که تاکنون توانسته اند، ضمن به چالش کشاندن رژیم ولایت فقیه، حمایت خود را از اصلاحات با قاطعیت اعلام کرده اند تا جایی که سرکوب گران هم برای اینکه از غافلگی عقب نمانند با شعار حمایت از اصلاحات قصد دارند آن را به مسلخ ببرند. حال سؤال کلیدی آنست که رفراندوم تنها برای گرفتن رأی مجدد از مردم برای دفاع از اصلاحات هیچ پشتوانه عملی نخواهد داشت مگر آنکه صحبت از رفراندوم بر سر ساختارهای قدرت در ایران با هدف برداشتن سد عملی راه اصلاحات، یعنی «ولایت فقیه» باشد که آن مقوله دیگری است. بحث های مندرج در روزنامه های گوناگون، در هفته های گذشته نشانگر سردرگمی فکری اصلاح طلبان حکومتی، و عاجز بودن آنها برای تنظیم یک سیاست روشن مبارزاتی و بکارگیری نیروی مردمی حاضر در صحنه است. با اینکه بسترهای بسیار مناسب تر و کارآمدتری در عرصه سیاسی میهنمان در گذشته و در همین حال وجود دارد اما هیچکدام از آنها مورد استفاده قرار نمی گیرند. کارزار گسترده برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی،

بزرگداشت روز ۱۶ آذر، روز دانشجو و استفاده از آن برای اعتراض به تشدید سرکوب و دستگیری های دگراندیشان از جمله بسترهای مناسب برای تشکل و سازمان دهی توده ها است. با کاربست چنین شیوه هایی که، حضور مستقیم مردم شرط اصلی آن است، زمینه برای دستیابی به نتایج مورد نظر برای حفظ و گسترش اصلاحات فراهم می شود.

## ناهنجارهای اجتماعی، وضعیت زنان و مسأله آموزش و پرورش

آمار دقیقی از وضعیت آسیب های اجتماعی «دختران» در دسترس نیست، اما جای سوال دارد که، روزانه از ۱۲ مورد قتل عمد، چند دختر مقتولند و چند دختر قاتل؟! از آن آمار روزانه ۱۰۵۶ مورد رفتار خشونت آمیز منجر به ضرب و جرح، چند مورد دختر آسیب دیده بوده اند. چند دختر در ۷۰۷ سرقط مسلحانه که در سال ۷۸ هر روز انجام می شده نقش داشته اند و از ۷ مورد خودکشی منجر به مرگ در روز، چند دختر جان سپرده اند. چند دختر فراری حاصل ۱۴ هزار و ۶۵ مورد طلاق در تهران بوده اند و چند زن جوان آسیب دیده، نتیجه آن ۱۵/۲۱ درصد ازدواجی بودند که در سال ۷۸ به طلاق منجر شده است. بر اساس گزارش های منتشر شده در سال ۷۸، ۱۲۲۴ مورد «فقدان دختر» به نیروی انتظامی گزارش شده است (بدون احتساب مواردی که به دلایل مختلف از جمله تعصبات خانوادگی گزارش نمی شود). این مسئله که ۱۲۲۴ عامل احتمالاً شبیه به هم، دختر را از خانه فراری داده و اینکه سرنوشت ۱۲۲۴ دختر به کجا انجامیده همان قضیه بی است که نمی توان به سادگی از آن گذشت. هم اکنون هزاران دختر جوان دیگر، در سطح کشور، با مشکلات جسمی و روحی و رفتارهایی چه بسا شبیه همان رفتارهایی که آن ۱۲۲۴ نفر با آن مواجه بودند، روبه رو هستند، و این مسئله که دختران به سبب شرایط خاص جسمانی آسیب پذیرند نیز، قضیه بی است که جای تامل دارد. روانشناسان معتقدند که، دختران فراری اغلب به ناهنجاری های اجتماعی کشیده می شوند و شاید به سبب افزایش فرار دختران است که به گفته خسرو منصوریان مدیر عامل انجمن حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی، این روزها در جامعه ما سن فساد رفتاری به شدت پایین آمده و آمار خودکشی در میان

## همبستگی جهانی با مردم کوبا، نیرومند تر می شود! هیئت نمایندگی حزب توده ایران، در کنفرانس جهانی همبستگی با مردم کوبا



### استقبال پرشور شرکت کنندگان در کنفرانس از سخنرانی رفیق کاسترو

کشورها دارد. در جوار کنفرانس، هیئت نمایندگی حزب توده ایران با هیئت های نمایندگی کشورهای متعدد و از جمله ترکیه، سودان، کلمبیا، هند، آلمان، فیلیپین به بحث و گفتگو درباره وضعیت جهانی و تحولات سیاسی ایران پرداخت. در پایان کنفرانس، جمع بندی، از نتایج تبادل نظر در سه کمیته قرائت شد. قطعنامه پایانی کنفرانس، در ده بند، ضمن محکوم کردن سیاست های امپریالیسم آمریکا، سال ۲۰۰۱ را سال تلاش برای پایان تحریم اقتصادی کوبا اعلام کرد. از لحظات پر شور کنفرانس، حضور دانیل اورتگا، رهبر ساندنیست های نیکاراگوئه بود. او ضمن یک سخنرانی کوتاه، همبستگی با انقلاب کوبا را همبستگی با مردم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین اعلام کرد، و گفت: «دیگران ما رانصیحت می کنند که از لفظ «امپریالیسم» درباره آمریکا استفاده نکنیم. تا زمانی که سیاست های آمریکا به این شکل ادامه دارد ما استفاده از این لفظ را کنار نخواهیم گذاشت.»

در پایان کنفرانس، رفیق فیدل کاسترو، به یک سخنرانی پنج ساعته پرداخت. حضور کاسترو در جلسه پایانی، شور و صف ناپذیری به کنفرانس بخشید. او در سخنرانی خود، ضمن ارائه آمار و ارقام، جهت گیری سرمایه گذاری در سطح جهانی را تشریح کرد، و نشان داد که، در مجموع، فقط بخش بسیار کوچکی از سرمایه گذاری در سطح جهانی به کشورهای جهان سوم اختصاص یافته است. او سپس به تشریح پیشرفتهای اقتصادی کوبا پرداخت، و اهمیت این پیشرفت ها را در عدم وابستگی آنها به امپریالیسم و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ارزیابی کرد. او در سخنرانی خود اشاره کرد که، پزو (واحد پول کوبا) از سال ۱۹۹۳ تا کنون هفت برابر قدرتمند تر شده و از هر ۱۵۰ پزو در برابر یک دلار، به هر ۲۰ پزو در برابر یک دلار رسیده است. قطع برق که در اوائل دهه ۱۹۹۰ به ساعت ها در روز می رسید دیگر وجود ندارد، و این افزایش تولید برق را مصرف نفت و گازی عملی می سازد که خود کوبائی ها استخراج می کنند.

دومین کنفرانس همبستگی و دوستی با مردم کوبا، نمایشی موفق از حمایت زحماتشان و ترقی خواهان جهان از انقلاب کوبا و مخالفت بین المللی با ادامه سیاست جنایتکارانه تحریم بر ضد کوبای سوسیالیستی از سوی امپریالیسم آمریکا بود. جنبش انقلابی مردم ایران، چون تمامی لحظات چهل سال سپری شده از پیروزی انقلاب کوبا، حامی انقلاب مردم کوبا و تحول آن است.

دو مین کنفرانس همبستگی و دوستی با مردم کوبا، در محل تئاتر کارل ماکس، در هاوانا، در تاریخ ۲۰ تا ۲۴ آبان ماه (دهم تا چهاردهم نوامبر) برگزار شد. در این کنفرانس ۴۲۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۱۸ کشور جهان شرکت کردند. هیئت نمایندگی حزب توده ایران، بنا به وظیفه انترناسیونالیستی خود، و در حمایت از مقاومت مردم کوبا در برابر امپریالیسم، بخصوص امپریالیسم آمریکا در این کنفرانس شرکت کرد. در آغاز کنفرانس، رفیق سرگیو کوریبری هرناوندز (Sergio Corrieri Hernandez)، صدر «انستیتوی دوستی خلق ها» ضمن خوشامد گویی به حاضران، در تشریح سیاستهای امپریالیستی آمریکا بر ضد کوبا بخصوص سیاست تحریم اقتصادی و اثرات آن بر اقتصاد کوبا، سخنان مبسوطی ابراز داشت. او ضمن جنایتکارانه خواندن سیاست تحریم اقتصادی، به کمک های کوبای سوسیالیستی به کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا اشاره کرد، و گفت: کوبا حتی در بدترین شرایط هم کمکهای انترناسیونالیستی خود را به دیگر کشورها قطع نکرد.

در ادامه جلسه، رفیق کارلوس لیچ (Carlos Lage)، معاون صدر شورای حاکمیت، در محکومیت سیاست های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا، ضمن برشمردن کمک های وسیع مردم کوبا به کشورهای جهان سوم، و از جمله تربیت هزاران دانشجوی پزشکی و فرستادن پزشکان کوبایی به دور افتاده ترین نقاط این کشور ها، گفت: «شاید نیست که کشوری که این چنین با دستهای باز امکانات خود را در اختیار مردم دیگر کشورها می گذارد تحریم اقتصادی شود.» او در ادامه گفت: «کوبا هرگز تسلیم نخواهد شد.»

سخنرانی رفیق لیچ بارها با کف زدن های شدید حضار همراهی شد. سومین سخنران جلسه، رفیق ریکاردو الاریکون (Ricardo Alarcon)، صدر شورای ملی قدرت مردمی، بود. او با نگاهی تاریخی به سیاست های امپریالیسم آمریکا نسبت به انقلاب کوبا از بدو پیروزی انقلاب کوبا، سیاست های آمریکا نسبت به انقلاب کوبا را از بدو پیروزی انقلاب در سال ۱۹۵۹ تجاوز کارانه و خشن توصیف کرد. او تأیید کرد که، انقلاب هرگز به زانو در نخواهد آمد.

سخنران اصلی روز دوم کنفرانس رفیق فیلیپ پرز روک (Felip Perez Roque)، وزیر امور خارجه کوبا بود. او با اشاره به تصویب طرح اختتام تحریم اقتصادی کوبا توسط آمریکا، در جلسه عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت مطلق ۱۵۷ موافق در برابر ۳ رای مخالف (آمریکا، اسرائیل - جزایر مارشال) گفت: «آمریکا در تقییب سیاست تحریم اقتصادی کوبا به انزوا کشیده شده است.» او همچنین ضمن اشاره به تبلیغات اخیر رسانه های آمریکایی در کاهش تحریم اقتصادی کوبا توسط آمریکا، گفت: «این یک دروغ بزرگ است. سیاست تحریم با قدرت هرچه بیشتری دنبال می شود.»

در ادامه کنفرانس حضار به سه کمیته «تحریم» (Blocade)، اطلاعات (Information) و تبادل تجارب (Sharing Experience) تقسیم شدند. هیئت های نمایندگی شرکت کننده در هر کمیته ضمن ابراز همبستگی خود با مردم کوبا، پیشنهادات خود را برای مقابله با سیاست های امپریالیستی و تجاوز کارانه علیه کوبا برای حضاران تشریح کردند.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران، ضمن شرکت فعال در این کمیته ها، پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران را در سطح وسیعی در میان شرکت کنندگان توزیع کرد. در این پیام، ضمن تجلیل از مقاومت مردم کوبا در برابر سیاستهای امپریالیستی، آمده است: «حزب توده ایران باور دارد که، شرایط موجود جهانی، که تنها چند دولت پر قدرت جهانی سیاست های اقتصادی، تکنولوژیکی و سیاسی خود را اعمال می کنند، نمی تواند در خدمت صلح و پیشرفت ملل باشد. ما فکر می کنیم که اصل اقتدار ملی در تقابل با نظم غیرعادلانه و استثمار بی قرار دارد که در آن امپریالیسم آمریکا، با استفاده از قدرت اقتصادی و نظامی خود، سعی در تعیین راه برای همه

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

## معضل بیکاری و اعزام نیروی کار به خارج

چنین خام و ناآگاهانه نظری می دهد. نظری که نشان از عدم شناخت از جهان معاصر و روندهای آن دارد و در عین حال ثابت می کند، در پس این موضع گیری ها هیچ گونه ارزیابی و بررسی علمی و کارشناسانه بی قرار ندارد. مقایسه ایران با کشورهایی چون پاکستان و بنگلادش را چگونه باید تعبیر کرد؟! و یا تلاش و آرزو برای اعزام کارگر به ترکیه به چه معناست؟ گذشته از این واقعیت ها، کوشش رژیم ولایت فقیه برای به اصطلاح تخفیف بحران بیکاری با توسل به برنامه اعزام به خارج از کشور، منحصر به یکی دو هفته اخیر نیست. پس از تصویب برنامه سوم توسعه، ارگان های مختلف حکومتی اقداماتی را در راستای این برنامه به مورد اجرا گذاشتند، از جمله وزارت کار و امور اجتماعی تماس هایی با برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا برقرار کرد. در ادامه این تماس ها، در اواخر تیر ماه سال جاری، «والتر ریستر»، وزیر کار آلمان، به تهران سفر کرده و با وزیر کار دولت خاتمی و دیگر مقامات بلند پایه رژیم دیدار و گفتگو کرد. از مسایل مورد مذاکره میان وزیر کار آلمان و مسئولین جمهوری اسلامی، یکی هم موضوع اعزام نیروی کار ایرانی به خارج بود. در این مذاکرات، وزیر کار آلمان شرایطی را عنوان کرد که هم اینک در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به عنوان استاندارد جذب نیروی کار خارجی رعایت می شود و آن جذب افراد و گروه های آموزش دیده، فنی و متخصص است. و این در حالی است که، اکثریت عظیم بیکاران کشور ما از حداقل آموزش های فنی و حرفه ای نیز بی بهره اند.

لازم به تذکر است که، با توجه به رشد فن آوری نوین و کاربرد آن در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، اعزام نیروی کار غیر متخصص به صورت گذشته، مانند سال های پس از جنگ دوم جهانی، کاملاً منتهی است. اینک کشورهای سرمایه داری پیشرفته، سیاست جذب نیروی کار ماهر، آموزش دیده و مجرب را در صدر برنامه های خود قرار داده اند. در فرانسه، آلمان و کشورهای اسکاندیناوی، سیاست رسمی، جذب برنامه ریزی شده افراد دارای مهارت های فنی و علمی در امور مختلف صنعتی و خدماتی و غیره است. کشورهای سرمایه داری پیشرفته، که به هیچ روی گروه های غیر ماهر را جذب بازار کار خود نمی کنند، افراد غیر ماهر را هم در مشاغل پست، زیان آور و خطرناک به میزان ناچیزی جذب می کنند. به علاوه به بحران در نظام سرمایه داری در رشد نرخ بیکاری نیز باید اشاره کرد که خود، دلیلی بر بسته ماندن بازار کار اتحادیه اروپاست.

در این میان نکته ظریفی نیز وجود دارد که باید به آن اشاره کرد، و آن عبارت است از مسایل فرهنگی و اجتماعی که امروزه در سطح جوامع اروپایی وجود دارد. پس از دگرگونی های منفی در دهه ۹۰ میلادی و فروپاشی اتحاد شوروی، ما شاهد رشد گرایش ضد اجتماعی بی مانند ستیزه جویی با خارجیان هستیم.

اصولاً روابط اجتماعی در غرب به میزان قابل توجهی دستخوش تغییر گردیده است، که خود امری بسیار حیاتی برای افرادی است که جذب این بازار کار و در نتیجه این جامعه می شوند. فضای اجتماعی برای زندگی کردن در اروپا، در مقایسه با دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی تفاوت های بسیار کرده است. این نکته ظریف، اما پر اهمیت نباید نادیده انگاشته شود. به هر جهت، برنامه اعزام نیروی کار به خارج برای حل معضل بیکاری یک سیاست محکوم به شکست و مغایر منافع ملی و حقوق زحمتکشان است. رشد بیکاری در ایران ارتباط مستقیم با سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه دارد و در عین حال رشد آن به موازات رشد اقتصاد دلالی بوده است. ایران به دلیل امکانات فراوان مالی و مادی و ثروت های زیر زمینی قادر است در چارچوب یک برنامه علمی بر این معضل غلبه کند و جوانان خود را در غربت نابود نسازد.

ابعاد گسترده بیکاری در کشور و پیامدهای ناگوار آن، امری پوشیده و پنهان نیست. طی دو دهه حاکمیت رژیم واپس گرای ولایت فقیه، تغییرات شدیداً منفی در ساختار اقتصادی - اجتماعی رخ داده است، که یکی از نتایج آن افزایش چشم گیر نرخ بیکاری است. فروپاشی زیر ساخت صنعتی و تضعیف فوق العاده ژرف بنیه تولیدی کشور، در اثر هشت سال جنگ خانمانسوز، و سپس اجرای نسخه های دیکته شده صندوق بین المللی پول و بانک جهانی توسط دولت ضد ملی هاشمی رفسنجانی، سبب شد تا بیکاری گسترش یافته و به یکی از مهم ترین و در عین حال خطرناک ترین مشکلات کشور بدل گردد.

متأسفانه در برابر این دیو تباهی آور که به ویژه هستی نسل جوان را به کام نیستی می کشاند، رژیم ولایت فقیه، هیچ گونه، تاکید می کنیم هیچ گونه برنامه مدون، مشخص و علمی بی که بر واقعیت های جامعه متکی باشد، ارایه نکرده است.

در سال های اخیر، برخی محافل و جناح های قدرتمند در درون حاکمیت، نظیر باند کارگزاران سازندگی و بخش هایی از طیف جبهه دوم خرداد، راه برون رفت از این معضل بزرگ را، گسترش خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه، با هدف جلب انحصارات فراملی با شرایط کاملاً یک طرفه و خفت بار، وانمود ساخته و می سازند. برنامه سوم توسعه، که بر چنین دیدگاهی استوار است، محصول همین نوع نگرش و منطق است. از جمله در برنامه سوم توسعه، برای حل معضل بیکاری، بر اعزام نیروی کار به خارج تاکید شده است. حزب توده ایران، به موقع خود، و در افشای چنین سیاستی تاکید کرده بود که، این برنامه - اعزام نیروی کار به خارج - نشان گر حد اعلی بی مسئولیتی مقامات حکومتی در برابر جوانان و آینده و سرنوشت آنهاست، و چنین برنامه بی نمی تواند تاثیر مهمی بر معضل بیکاری داشته باشد. حزب ما از جمله نوشت: «این سیاست که از چندین سال قبل در درون محافل رژیم مطرح بوده، صرفاً و به منظور کاهش فشار اجتماعی جوانان و انتقال این فشار به خارج از کشور تنظیم شده است. این برنامه در مقابرت با منافع ملی قرار دارد. فقط رژیمی مانند رژیم ولایت فقیه می تواند در قبال جوانان تا این حد غیر مسئولانه و مخرب عمل کند» (نامه مردم، شماره ۵۸۰، ۱۶ فروردین ماه ۱۳۷۹).

مسئله اعزام نیروی کار به خارج از کشور، بار دیگر در هفته های اخیر از سوی مسئولین جمهوری اسلامی مطرح و پیگیری شده است. به گزارش رسانه های همگانی، در ۲۷ آبان ماه سال جاری، معاون اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی، اعلام داشته است: «اقدامات و قوانین تازه ای برای اعزام نیروی کار در دست تهیه و اجرا است.»

این معاون وزیر کار متذکر شد: «بحث اعزام نیرو به خارج منحصر به یک دستگاه نیست و چندین دستگاه در این موضوع نقش دارند. با هماهنگی بین دستگاه ها و اتخاذ سیاست واحد می توان از بازار کار جهانی مانند کشورهای پاکستان، هند، بنگلادش و مصر که برخی از آنها تا ۵۰ درصد درآمد ارزی کشورشان از همین محل است بهره جست.» وی سپس در ادامه یادآور شد: «ما به عنوان وزارت کار در کنار این کارها که هم قبل از برنامه سوم و هم در برنامه سوم داریم، این ماده را طراحی کردیم و زمینه تاسیس کارآیابی های خصوصی را فراهم آوردیم. و اکنون حدود ۱۴ کارآیابی خصوصی فقط جهت اعزام نیروی کار به خارج فعال است. ضمن آنکه بیش از ۱۰۰ کارآیابی خصوصی در داخل کشور، کارآیابی را بر عهده دارند.» معاون وزیر کار و «مسئول» امر اشتغال در این وزارت خانه در پایان، ضمن تاکید بر ضرورت اعزام نیروی کار به خارج، اظهار می دارد: «در سال ۱۹۹۹ کشور همسایه ما ترکیه بالغ بر ۱۵ هزار نیروی کار خارجی از کشورهای لیبی، عربستان، ترکمنستان و قزاقستان جذب کرد و ایران از این بازار نزدیک بی نصیب ماند.» این موضع گیری بی است رسمی از سوی مقامات مسئول و ذی ربط در رژیم ولایت فقیه. از این سخنان و مواضع چه نتایجی می توان استخراج کرد؟ بسیار دردناک و ناگوار است که یک مقام ارشد دولتی، در ارتباط با مسئله بی مهم و پر اهمیت برای جوانان،

## صدا و سیمای ارتجاع در «زیر پوست شهر»

بسیار ظریف و ارگانیک میان آنها را، بدور از ذهنی گرایی، و واقع بینانه، در قالب روابط عاطفی میان انسانها به نمایش بگذارد.

توهین به صدا و سیمای رژیم در این فیلم، بخش بسیار کوچکی است. نکته اساسی این است که، صدا و سیمای رژیم آنقدر در میان مردم منفور و بی آبروست که «توهین» به آن برای مردم مقوله بی ناکافی می آید. آنچه که صدا و سیما به آن اشاره می کند، در واقع آغاز فیلم است که با مصاحبه تلویزیونی با مادر کارگر شروع می شود. او به عنوان نماینده کارگران در جلو دوربین صدا و سیما، زیر رگبار سئوالات پیچیده و پی در پی مصاحبه گر، بی جواب می ماند و خود را می بازد و می گوید که من اصلاً حرفی ندارم، و با ناراحتی صحنه را ترک می گوید. فیلم با یک مصاحبه تلویزیونی پایان می گیرد. این بار مادر کارگر، در صحن کارخانه، روبه روی دوربین می ایستد و با قاطعیت و اعتماد بنفس مصاحبه گر و آنانی را که پشت آنها ایستاده اند مخاطب قرار می دهد. مادر با خشم فرخورده از وعده های برآورده نشده انقلاب، قناعت، تحمیل رنج و مرگ فرزندان در دوران جنگ، قول های پوچ سران رژیم در دوران سازندگی، و سرانجام از تماشاچی بودن در چند سال اخیر و بدتر شدن زندگی میلیون ها انسان مانند او و خانواده اش سخن می گوید. او در جمله نهایی خود، از به بازی گرفتن انسانها سخن می گوید و نشان می دهد که کاسه صبر توده ها لریز شده است. جملات کوبنده مادر و زیر سؤال رفتن کارنامه سیاه و مردم ستیز رژیم «ولایت فقیه» مسأله بی تازه در میهن ما نیست و مردم سالهای اخیر از هر فرصت و دریچه بی هر چند کوچک برای اعلام انزجار و تفر خود از رژیم استبدادی حاکم بهره جسته اند، مسأله بی که فیلم «زیر پوست شهر» با ظرافت به بحث می گذارد، ضمن تصویر تکان دهنده اوضاع دهشتناک اقتصادی و اجتماعی در زیر سایه رژیم ولایت فقیه، عدم رخ داد تحولات بنیادین در سالهای اخیر و بی اعتمادی و نگرانی نسبت به دورنمای تحولات است.

### ادامه راه پیمایی جهانی زنان ...

سازمان که قرار بود با نمایندگان زنان ملاقات کند به دلیل سفر به خاورمیانه در رابطه با وضعیت بحرانی این منطقه نتوانست در جلسه حضور پیدا کند. نمایندگان زنان به معاون دبیر کل سازمان ملل گفتند: «دو پدیده جهانی، تسلط یک سیستم اقتصادی سرمایه داری نولیبرالی که آثار آن رقابت سرسام آور، خصوصی سازی از بین برداشتن مقررات و قوانین است و مرد سالاری علل اصلی مصائب اکثریت زنان جهان می باشد.» نامه هیئت به کوفی عنان، به موازات به نمایش گذاردن در ک زنان از وضعیت معاصر، سازمان ملل را متهم به همدستی با فعالیت های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول کرد. «شما نگرانی و عصبانیت ما را از اینکه مشاهده می کنیم که شما، دبیر کل سازمان ملل متحد، حامی توافق جهانی با کمپانیهای خصوصی هستید و این باور را که اگر بازار به حال خود گذاشته شود، می تواند منبع برابری و پیشرفت مردم جهان باشد! رواج می دهید، درک کنید.» نمایندگان زنان خواستار اصلاح ساختاری سازمان ملل به منظور دموکراتیزه کردن آن شدند.

گروهی از زنانی که از مناطق جنگ زده آمده بوده توجه سازمان ملل را به سرنوشت زنان در درگیری های نظامی جلب کردند. در نمایشی از وضعیت اسفناک زنان، یک تظاهرکننده افغانی، که خود را در چادری سیاه که فقط چند سوراخ کوچک برای تنفس در آن تعبیه شده بود، با اعلام اینکه می خواهد مرتکب «گناه» رفع حجاب شود، در میان هلله زنان، چادر خود را برداشت.

راه پیمایی جهانی زنان همچنین خشونت برضد زنان را محصول بلافصل مصرف گرایی توقف ناپذیر، فرد گرایی، رقابت و حرص دانست، و از سازمان ملل خواست که کشورهای عضو را فرا خواند که قوانین خود را در این راستا تدوین کنند، که هر گونه خشونت برضد زنان نقض پایه بی حقوق بشر است، که با هیچ گونه دلیل مذهبی، فرهنگی، قومی و یا سیاسی قابل توجیه نیست.

راه پیمایی زنان، نمایش قدرتمندی از شکل گیری جنبش مقاومت خلق ها بر ضد جهانی شدن و نولیبرالیسم سرمایه داری و نظم نوین جهانی بود، نمایشی که زنان در ابتکار ایجاد و سازماندهی و برگزاری موفق آن، نقش بی بدیلی داشتند.

فیلم «زیر پوست شهر»، به نویسندگی و کارگردانی خانم رخشان بنی اعتماد، که در همراه بر روی پرده سینما آمد، مورد استقبال بسیار وسیع مردم، خصوصاً جوانان قرار گرفت. این فیلم بلافاصله با عکس العمل صدا و سیمای ارتجاع به صورت ممنوعیت تبلیغ آن در تلویزیون، روبه رو گشت. بسیاری از سینماها در تهران بلافاصله با اقدام به نصب اعلامیه، با حروف درشت، خیر ممنوع شدن تبلیغ این فیلم را اعلام کردند، که با توجه به کارنامه سیاه صدا و سیما در ذهن مردم، این عمل باعث افزایش حس کنجکاوی و استقبال بیشتر از فیلم شد. البته دلیل اصلی استقبال وسیع مردم از این فیلم، و مورد بحث قرار گرفتن آن در جامعه و مطبوعات داستان جالب و قابل لمس آن برای مردم بود، که توانسته بود در ترکیب و زندگی تک تک اعضای یک خانواده کارگری، بسیاری از دغدغه ها و خواست های مبرم اقتصادی-اجتماعی آحاد مردم را به صورت سرگرم کننده، نمادین، ولی واقع گرایانه، بیان کند. صدا و سیما در اطلاعیه خود ممنوع کردن تبلیغ تلویزیونی را به دلیل «زیر سؤال بردن انتخابات مجلس ششم»!! و «توهین به صدا و سیمای جمهوری اسلامی» اعلام کرد. واقعیت این است که، فیلم «زیر پوست شهر» با به صحنه آوردن جنبه هایی از وضعیت وخیم زندگی و فشارهای اقتصادی و عواقب اجتماعی تحمیلی و مجموعه قوانین ضد انسانی، زیر لوای مذهب، کل رژیم «ولایت فقیه» و کارنامه سیاه آن را در حیات توده های زحمتکش زیر سؤال می برد. برای نمونه، بخش مهمی از فیلم درباره پرسرآمد یک خانواده زحمتکش است که فاقد تحصیلات است، ولی انسانی است صادق و با پشتکار، جوانی که همچون میلیون ها جوان دیگر برای فرار از بیکاری در جمهوری اسلامی، سعی می کند از کاری به کار دیگر، با تلاش فراوان، زندگی بهتری برای خانواده اش و امکان ازدواج خود را فراهم سازد. فیلم بدرستی نشان می دهد که، با وجود تلاش میلیونها انسان مانند آن جوان، انسان های شرافتمند در اقتصاد فاسد ایران، چیزی جز قربانیان سیستم نیستند که مانند موم در دست مشتکی صاحبان ثروت، دلال و انگل صفت که برای منافع بیشتر به بازی گرفته می شوند. فیلم نشان می دهد که، با بی ثمر ماندن کوشش های این جوان زندگی و دنیای اطراف و خانواده اش در هم فرو می ریزد و او و خانواده اش ضربه مادی می خورند. در این بخش از فیلم نقش مادر (کارگر کم درآمد یک کارخانه ریسندگی) به عنوان محکمترین و آخرین سپر مقاومت و تنها تکیه گاه معنوی و مادی خانواده برجسته می شود. این نکته در فیلم نیز در واقع انعکاس واقعیت جامعه ماست که در آن توده های میلیونی زنان زحمتکش در بسیاری از خانواده ها به تنهایی بار همه مشکلات و مشقت های اقتصادی را به دوش می کشند. به موازات این مسائل، که در فیلم با ظرافت طرح می شوند، تماشاگر فیلم با سرنوشت دو خواهر خانواده و عواقب تلخ سیاست های زن ستیزانه رژیم «ولایت فقیه» آشنا می شود. خواهر بزرگتر در ازدواج خود و فرزندان اش اسیر یک شوهر خشن اند و هر روز باید از مادر شوهر ضربات مشت و لگد را تحمل کند و از نظر قانونی، هیچ تکیه گاهی را به غیر خانواده پدری ندارد. اما خانواده پدری، با وجود دلداری و جانبداری از او، به دلیل فشارهای مادی نمی توانند در عمل او بچه هایش را نگهداری کنند و بنابراین خواهر بزرگ مجبور است به خانه شوهر بازگردد و با عذرخواهی زندگی در شرایط دهشتناک را تحمل کند. فیلم، در نقش پردازی خواهر کوچک تر، که نوجوانی پانزده ساله است پیچ دیگری به خود می گیرد. او به عنوان سمبل نسل در راه، به هیچ وجه نمی تواند سرنوشت خواهر بزرگ تر را بر پایه سن عقب مانده و توجیه اطرافیان قبول کند، و هر روز بیشتر به حقایق تلخ زندگی زنان آشنا می شود، تا جایی که در یک صحنه تکان دهنده، او با جانبداری از دختر همسایه، که دوست صمیمی اوست، با کوبیدن مشت به صورت برادر دوستش، که هر روز به بهانه های مختلف (بد حجابی، درس خواندن، به کنسرت موسیقی رفتن و...) دوست او را مورد ضرب و شتم قرار می داد، این مرد را نقش زمین می سازد. گفتنی است که در بسیاری از سینماها این صحنه با کف زدن پرشور حضار و فریادهای آفرین دختر تماشاگران روبه رو شد.

نقش برادر کوچکتر، که نوجوانی ۱۷ ساله است، نیز در خور تأمل و ارزیابی است، و با احتیاط و ظرافت، منعکس کننده جنبه هایی از جنبش اعتراضی دانشجویان و مقابله آنان با رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» است. در مجموع، این فیلم انعکاس عینی جنبه های عینی بی از زندگی معنوی و مادی مردم میهن ما در سایه سیاه رژیم ارتجاعی حاکم است که نویسنده با مهارت و شجاعت توانسته است رابطه

**ادامه «آرامش فعال»، باتلاقی که ...**

نبوده است، از یک سو به جو بی اعتمادی مردم به جنبش اصلاحات و رهبری آن دامن زده است، و از سوی دیگر نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، همچون جنبش دانشجویی، زنان و کارگران و زحمتکشان را دچار نوعی سردرگمی و بی برنامه‌گی خطرناک کرده است. مدافعان سیاست «آرامش فعال»، با طرح اینکه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۰ در پیش است، و لذا ضروری است کاری صورت نگیرد که به این روند لطمه وارد شود، عملاً مردم را به سکوت و بی عملی کامل در برابر تحرکات وسیع ارتجاع دعوت می‌کنند. روشن نیست که حتی در صورت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بر اساس برنامه‌های جبهه دوم خرداد، و پیروزی مجدد سید محمد خاتمی برای دوره دوم، در شرایط ادامه رژیم «ولایت فقیه» و حاکمیت استبداد مطلق «ولی فقیه» قرار است دولت بعدی آقای خاتمی موفق به اجرای کدام برنامه برای توسعه سیاسی کشور بشود؟ سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در سخنانی، در «همایش سالانه هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون» با تأیید ضمنی چنین واقعیتی و طرح این مسأله که او به عنوان رئیس قوه مجریه از اختیارات کافی برای اجرای قانون اساسی برخوردار نیست، از جمله گفت: «رئیس جمهور در مقام عمل اجمالاً قادر به متوقف کردن روند نقض یا وادار کردن به اجرای قانون اساسی نیست» (به نقل از روزنامه «آفتاب یزد»، دوشنبه ۷ آذرماه ۱۳۷۹). بهزاد نبوی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، نیز در سخنان مشابهی از بی اختیاری ارگان‌های قانونی و منتخب مردم سخن راند و افزود: «ساختار حکومت در کشور به گونه‌ای نیست که همه تصمیمات دولت و مجلس قابل اجرا باشد» (به نقل از روزنامه «آفتاب یزد»، دوشنبه ۷ آذرماه ۱۳۷۹). تجربه سه سال گذشته، از جمله کشتار دگراندیشان، زنده یادان پروانه و داریوش فروهر، مختاری، بوینده و شریف و چگونگی رسیدگی به پرونده این جنایات، بی قانونی کامل برای جاقو کشان، مزدوران و انصار «ولی فقیه»، در مقابل استفاده از «قانون» و دستگاه قانون برای سرکوب حقوق مردم، و نیز عملکرد نهادهایی همچون شورای نگهبان و «مجمع تشخیص مصلحت» که بر فراز نهادهای قانون گذاری و منتخب مردم، یعنی مجلس شورا، عمل می‌کنند، نظریه «امکان توسعه سیاسی و جامعه مدنی در چارچوب رژیم ولایت فقیه» را با شکست سنگین و جبران ناپذیری روبه رو کرده است. مردم در تجربه روزمره و ملموس خود دریافته اند که، سران رژیم «ولایت فقیه» به هیچ وجه حاضر نیستند با احترام گذاشتن به خواست آنان راه را برای تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک هموار سازند.

مردم دریافته اند که، بررغم آنکه در سه سال گذشته بارها در صفوف فشرده و تحسین انگیز، و با وجود همه فشارها و کارزارهای تبلیغاتی-روانی، به پای صندوق های رأی رفته اند و نظر صریح و روشن خود را درباره ضرورت توسعه سیاسی، استقرار آزادی و پایان دادن به حکومت استبدادی اعلام کرده اند، هیچ کدام از این خواست ها تحقق نیافته است و در همچنان بر همان پاشنه می چرخد. مردم همچنین دریافته اند که، ارتجاع تنها زیر فشار سنگین و خردکننده خواست وسیع توده ها بوده است که حاضر به مانور و عقب نشینی تاکتیکی در مراحل معینی شده است، و بنابراین، حق دارند بپرسند که، چرا امروز جنبش مردمی به جای مقاومت در برابر ارتجاع به سکوت و مدارا در مقابل آن فرا خوانده می

شود؟ پاسخ به این پرسش را می توان از زوایای گوناگون بررسی کرد: نخست اینکه، بخشی از رهبری جبهه دوم خرداد، در تحلیل نهایی خواستار تعمیق روند اصلاحات در میهن ما و بسط آن به مسأله حیاتی، یعنی تعیین تکلیف ساختار حاکمیت سیاسی، نیست و آن چنان در حصارهای «خودی و غیر خودی» اسیر است که، در انتها به این نتیجه خواهد رسید که برای «حفظ نظام» و «حفظ منافع اسلام» باید منافع مردم را فدا کرد. دوم آنکه، بخش هایی از رهبری جبهه دوم خرداد، با علم به توان نیروی مردمی و تعیین کننده بودن نقش آن در تحولات، در عین حال از به کارگیری موثر و فعال آن در برابر ارتجاع حاکم هراس دارند، و نیروی مردمی را تنها برای معاملات و «رایزنی ها» در بالا مورد استفاده قرار می دهند. بر این اساس، روشن می شود که، بخش تعیین کننده رهبری جبهه دوم خرداد، در مجموع خود، تنها به دنبال نوعی معامله گری با بالا به امید گرفتن برخی امتیازات محدود است، چنان که به «خط های سرخ»، زیر علامت سؤال بردن اساس استبداد، یعنی رژیم «ولایت فقیه» لطمه بی وارد نشود.

اگر بخواهیم واقع بینانه با تحولات ماه های اخیر برخورد کنیم، باید بگوییم که، سیاست «آرامش فعال»، در واقع باتلاقی بوده است که ذره ذره جنبش مردمی را به کام خود فرو می بلعد. سکوت و بی عملی در برابر یورش نیروهای ارتجاعی کار را به آنجا کشانده است که امروز مزدوران ارتجاع علناً روزنامه نگاران دستگیر شده را شکنجه می دهند و از این عمل نیز ابایی ندارند. دولت خاتمی فاقد هرگونه تحرک و برنامه بی است و شورای نگهبان هم به پشتوانه «ولی فقیه» مجلس را به محلی برای سخنرانی و طرح شکایات تبدیل کرده است، بدون آنکه مجلس بتواند گام موثری در هیچ زمینه اساسی بردارد. حزب توده ایران، همچنان که در ماه های اخیر بارها مطرح کرده است، همچنان معتقد است که، بدون حضور سازمان یافته جنبش مردمی در عرصه پیکار بر ضد ارتجاع، امکان دست یابی به پیروزی غیر ممکن است. تنها راه حل عملی و واقع بینانه پیش روی جنبش، افزودن بر تلاش ها برای سازمان دهی نیروهای اجتماعی و بالا بردن توان اعتراضی آن است. تجربه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نشان داد که، آنگاه که توده ها منسجم و سازمان یافته و یک صدا به میدان آمدند و ایران را سراسر به اعتصاب عمومی کشانند، و در واقع اعلام کردند که دیگر حاضر به پذیرش حکومت استبداد نیستند، رژیم تا بن دندان مسلح شاه، ساواک و ۳۰ هزار مستشار نظامی آمریکایی آن به زانو درآمدند. این تجربه گرانبها درسی است که امروز جنبش مردمی باید از آن بهره جوید. قدرت عمل منسجم و یکپارچه مردم و حرکت آگاهانه آن به سوی تحقق اهداف تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میهن است که در اوضاع کنونی می تواند سد انسداد اصلاحات سیاسی را درهم شکند.

**ادامه ناهنجارهای اجتماعی، وضعیت زنان...**

زنان و دختران افزایش یافته است. « این قسمتی از یک مقاله گزارشی گونه ای است که روزنامه «همبستگی»، شنبه ۵ آذر آن را به چاپ رسانده است. رژیم ولایت فقیه برای اینکه مبادا خدشه ای به حاکمیت «اسلامی» اش وارد آید به عمد مشکلات عظیم و غیر قابل انکار اجتماعی را پنهان نگه می دارد تا تصویر زشتی که ناشی از اعمال سیاست های ضد مردمی آنها می باشد در پرده استتار باقی بماند. امروز بحران اجتماعی وضعیت زنان در جامعه ما به آن حدی رسیده که انکار آن حتی در چارچوب های کنونی هم مشکل به نظر می رسد. دست اندرکاران امور زنان در جمهوری اسلامی با پیروی از سیاست های گذشته و با بی توجهی به فجایع گریبان گیر زنان، با ارائه آماری از تعداد دختران دانشگاهی سخن می گویند، از زنان شاغلی که در سطح مدیریت مشغول به کار هستند و موارد مشابه دیگری که کلبشه بی بودن آنها کاملاً مشهود است. این نوعی پنهان کاری و سوء استفاده از وضعیت کنونی است. آنها با بزرگ کردن موفقیت های زنان، سعی دارند چنین دستاوردهایی را منتسب به خود ساخته و با پنهان کاری فجایی که حاصل مستقیم سیاست های تاکونوی آنها است، راه های انتقاد و حمله را بر مخالفان خود ببندند. در گزارشی که «ایرنا»، اول آذر از وضعیت زنان در متون آموزشی مخبره کرده، آمده است: «بر اساس تحقیقات انجام شده، کتاب های درسی در ایران، در ارایه تصویری واقعی از زن در جامعه امروز توفیقی نداشته اند و کمتر نشانه بی از شرایط موجود و جایگاه زن در خانواده و جامعه امروز ایران در کتاب های درسی قابل مشاهده است.» این گزارش در ادامه به موارد متعددی در این باره اشاره می کند که از جمله: «مکان های حضور دختران و پسران و تصاویر آنها فاقد موازنه و برابری است، برای دختر ۲۷ تصویر در محیط خانه و برای پسر ۳۱ تصویر در محیط مدرسه موجود است. الگوهای شغلی معرفی شده برای زنان فقط منحصر به مادر و دو مورد آموزگار است. دختران در مباحث پوشاک، کودک یاری، تغذیه و آشپزی که دستور پخت چند غذا است، کاملاً متمایز از پسران هستند. در کتاب های فارسی دوره راهنمایی از مجموع ۹۴۰ مورد مشاغل ذکر شده، ۹۱۵ مورد مربوط به مردان و ۱۱ مورد مربوط به زنان است. در کتاب های درسی پس از انقلاب درصد تصاویری که زن را در حال انجام کار خارج از منزل نشان می دهد، تقریباً ۱۴ درصد کاهش داشته اما درصد مشاغل خانگی در بین زنان در کتاب های درسی سه برابر شده است.» به گزارش «ایرنا»، دوم آذر، فاطمه تندگویان، مشاور وزیر آموزش و پرورش در این مورد اعتراف کرد: «بر اساس واقعیت ها، زنان و مردان در کنار یکدیگر، با حفظ ارزش ها در حیطه های مختلف اجتماعی مشغول فعالیت هستند در حالی که در کتاب های درسی این مسأله چنین بازگو نشده است.» وی در ادامه با عنوان این مسأله که، از یک سال پیش دفتر همکاری با حوزه علمیه در وزارت آموزش و پرورش تشکیل شده ولی در امری کیفی، چون تعلیم و تربیت نمی توان کتاب های درسی را به گونه بی تألیف کرد که منعکس کننده نظرات همگان باشد، این نکته را روشن ساخت که مخالفت با گسترش آزادی زنان ریشه در سیاست های مترجع ترین قشرهای روحانی که عمدتاً در حوزه علمیه وجود دارند، سد اصلی در این زمینه است. فقر آموزشی، حاصل چنین سیاست هایی، عامل از هم پاشیدگی خانواده در ایران گردیده که پیامدهای وحشتناک آن در گزارش روزنامه همبستگی به وضوح کامل منعکس گردیده است. در چارچوب های تنگ و زن ستیز رژیم ولایت فقیه، آزادی واقعی برای زنان یک خوش خیالی خام و بوج است.

**کنگره کمونیستهای ژاپن**

کمونیست های ژاپن، در آغاز ۲۲مین کنگره حزب خود، در روز ۲۲ نوامبر خواستار برکناری ائتلاف محافظه کار حاکم و نوسازی دموکراتیک و قاطع سیستم سیاسی حاکم بر این غول شرقی اقتصاد جهان شدند.

«کازوک شی ای»، رهبر هیئت دبیران حزب، در تأیید قطعنامه اصلی کنگره، حمایت حزب کمونیست ژاپن از دادن رای عدم اعتماد به دولت لیبرال دموکرات در پارلمان ژاپن را اعلام کرد. «شی ای» تأکید کرد که برکناری دولت دست راستی نخست وزیر موری، قدم اول خواهد بود و گفت: «ژاپن برای بهره مند شدن مردم از دستاوردهای کشور نیازمند تغییرات سیاسی - اقتصادی پایه بی و دموکراتیک است.» رهبر حزب کمونیست تأکید کرد که «بازسازی ژاپن» بدون پایان دادن به سیاست «سرمایه داری بدون قانون» که به سرمایه داری عمده ژاپن امکان دستیابی به قدرت بدون هر گونه نظارتی را داده است، ممکن نخواهد بود.

در رابطه با اوضاع بین المللی شی ای گفت: «از بین بردن سلاح های هسته ای ضروری ترین وظیفه است.» او همچنین خواستار نقطه پایان گذاردن بر پیمان امنیتی میان ایالات متحده و ژاپن و تعطیل پایگاه های نظامی آمریکا در خاک ژاپن شد. کنگره حزب کمونیست ژاپن مخالفت خود را با استفاده از نیروهای نظامی ژاپن در خارج از مرزهای این کشور ابراز داشت و در رابطه با خطرات ناشی از رشد نظامی گری در ژاپن برای صلح منطقه و جهان اظهار نگرانی کرد.

۱۰۰ نماینده حاضر در کنگره به نمایندگی از جانب ۳۹۰/۰۰۰ عضو حزب در بحث های خود چگونگی تقویت ساختارهای تشکیلاتی حزب را به موازات رشد محبوبیت آن در انتخابات محلی و ملی مورد مطالعه قرار دادند. در انتخابات خردادماه جاری کاندیداهای حزب کمونیست ۷ میلیون رای یعنی ۱/۲ درصد آره را کسب کردند. حزب کمونیست ۴۳ نماینده در مجلس ژاپن دارد. تیراژ نشریه آکاها تا «پرچم سرخ»، نشریه ارگان حزب کمونیست ژاپن به دو میلیون رسیده است.

**همبستگی بین المللی با سندیکا ی کارگران راه آهن پاکستان**

فاضل وحید، دبیر کل اتحادیه کارگران پاکستان (CBA)، در فراخوانی خطاب به کارگران جهان خواستار حمایت بین المللی از مبارزه کارگران برضد سیاست های سرکوبگرانه و ضد کارگری نظامیان حاکم بر پاکستان گردید. رهبر سندیکاهای پاکستان خواستار ارسال نامه ها و قطعنامه های حمایت خطاب به ژنرال پرویز مشرف، حاکم نظامی پاکستان و عمر اصغر خان، وزیر کار این کشور شد. دولت نظامی حاکم، که از کارزار موفق اتحادیه های کارگری بر ضد سیاست خصوصی کردن صنایع شدیداً هراس دارد. به بهانه متن سخنرانی های ایراد شده در جریان گردهمایی اعضای اتحادیه کارگران راه آهن در حمایت از خواست های خود، در روز ۱۸ اکتبر که بیش از ۷۰۰۰ نفر در آن شرکت کردند، درصدد پیگیری ۱۰ رهبر اتحادیه و از جمله فاضل وحید، دبیر کل اتحادیه کارگران راه آهن و گلزار

**□ نگاهی به رویدادهای جهان**

**□ در هفته ای که گذشت □**

چاوداری، «دبیر کل فدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری» پاکستان است. راه آهن سراسری پاکستان ۱۱۰/۰۰۰ نفر را در استخدام خود دارد که ۳۵۰۰۰ نفر از آنان در بخش تعمیر و نگهداری کار می کنند. ۱۶۰۰۰ تن از کارگران بخش تعمیر و نگهداری عضو اتحادیه کارگران راه آهن اند. خواسته های کارگران شامل بهبود شرایط کاری، افزایش حداقل حقوق کارگران غیر ماهر از ۱۵۰۰ روپیه به حداقل ۷۰۰۰ روپیه، رفع همه تهدیدات بر ضد اتحادیه های کارگری و جلوگیری از خصوصی کردن شبکه راه آهن دولتی پاکستان است. در ژوئن ۱۹۹۸، بدنبال تظاهرات عظیمی که به دعوت اتحادیه کارگران راه آهن در کراچی برگزار شد، رئیس جمهوری پاکستان قول داد که حداقل برای سه سال کوششی برای فروش راه آهن به بخش خصوصی انجام نخواهد گرفت. صندوق بین المللی پول در سال های اخیر به دولت فشار آورده است که راه آهن را به بخشی خصوصی بسپارد و از اتحادیه های کارگری خواسته است که با دولت در رابطه با سازماندهی خصوصی کردن راه آهن وارد مذاکره شوند.

**دیدار کلینتون از ویتنام**

طی هفته گذشته، بیل کلینتون، به عنوان اولین رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در دوران پس از پایان جنگ ویتنام، از این کشور دیدار کرد. در این دیدار، بیل کلینتون، در سخنرانی تلویزیونی که بطور زنده در ویتنام پخش شد، تلاش کرد که تصویری انسانی و زیبا از سیستم سرمایه داری آمریکا ارائه دهد و ویتنام را به «اجرای حقوق بشر»، «ایجاد فضای باز سیاسی» و تغییر در سیستم اقتصادی خود دعوت کرد. او با بیان اینکه در ایالات متحده آمریکا «دموکراسی» و «آزادی» فردی و اقتصادی وجود دارد، به تاریخ ایالات متحده آمریکا نیز اشاره کرد که در آن دوران طولانی از برده داری و محدودیت های سیاسی و اجتماعی بویژه بر ضد سیاهان و زنان وجود داشت، «اما امروزه شرایط در آمریکا دگرگون شده است.» در این رابطه لی خافو، دبیر اول حزب کمونیست ویتنام، در سخنرانی خود به کلینتون گوشزد کرد که از دادن درس های سیاسی پرهیز کند و در ادامه گفت: «ما به حق انتخاب، روش زندگی و سیستم سیاسی کشورهای دیگر احترام قائل هستیم و در برابر آن نیز توقع داریم تا ملل دیگر برای انتخاب مردم کشور ما احترام متقابل قائل شوند. این که کشورهای دارای سیستم های مختلف سیاسی اند، نباید مانع گسترش همکاری متقابل میان آنها شود.»

در رابطه با مسایل اقتصادی وی، ضمن اشاره به برنامه اقتصادی موسوم به «دوی-موی»، که در اواسط دهه ۸۰ معرفی شد، گفت که «هدف دوی-موی ایجاد ساختمان اقتصادی سوسیالیستی مستقل و خود کفاست. اقتصاد ما دارای بخش های گوناگونی است که در آن بخش دولتی نقش هدایت کننده و اصلی را بازی می کند... ما دارای اقتصاد خصوصی نیز هستیم، اما اقتصاد خود را خصوصی نمی کنیم.» او در پایان ادامه داد که: «چند روز پیش، وزیر خارجه ایالات متحده، از من سؤال کرد که سوسیالیسم چگونه خواهد توانست به حیات خود ادامه دهد؟ من در جواب گفتم که سوسیالیسم نه تنها به حیات خود ادامه خواهد داد، بلکه هر چه بیشتر نیز گسترش می یابد. و سوسیالیسم قوی تر و قوی تر خواهد شد.» لی خافو در مورد جنگ ویتنام، خطاب به کلینتون گفت: «این جنگ به هیچ وجه به دست فراموشی سپرده نخواهد شد.»

**کاهش تعداد کارکنان دولتی در ترکمنستان**

صفر مراد نیازف، رئیس جمهوری ترکمنستان، در روز ۲۰ آبان ماه (۱۰ نوامبر)، به اعضا دولت ابلاغ کرد که جهت «صرفه جویی» در مخارج دولت، از روز اول ژانویه ۲۰۰۱، تعداد ده هزار از کارکنان وزارت آموزش و پرورش و بیش از یازده هزار نفر از کارکنان وزارت بهداشت، از کار برکنار خواهند شد. بر اثر این کاهش، فشار کار بر دوش سایر کارکنان افزایش خواهد یافت که می باید وظایف کارکنان اخراج شده را نیز به عهده بگیرند. بر اساس همین تصمیم، سایر وزارت خانه ها، به غیر از وزارت دفاع که دست نخورده باقی می ماند، نیز شامل این کاهش ها خواهند شد. این کاهش ها، امکان می دهد تا دستمزد سایر کارکنان دولت، و به ویژه کارکنان وزارت دفاع و نگهبانان مرزی، به میزان ۵۰ درصد افزایش یابد.

نیازف همچنین اعلام کرد که، سیستم جدیدی برای ثبت سابقه کاری افراد به جای سیستم سابق «سیستم شوروی» بوجود خواهد آمد که علاوه بر ثبت ساده مشخصات کارکنان و سابق شغلی آن ها، سابقه «خدمات اجتماعی»، دستمزد، شرایط مالیاتی، وام های احتمالی که دریافت شده است، بازنشستگی، بیمه های درمانی و جرایم جنایی نیز به ثبت خواهد رسید.

**روسیه و کاهش سلاحهای موشکی**

در پی پیشنهاد ژنرال «یاکوف» مبنی بر ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی، که بتواند با سیستم پیشنهادی ایالات متحده آمریکا برابری کند و مطابق با خصوصیات آن باشد، مقامات آمریکایی شایع کردند که روسیه از نظر خود برای محدود کردن سلاحهای استراتژیک و بویژه جلوگیری از سیستم دفاع موشکی ضد موشکی، منصرف شده و برخورد های ملایم تری را در پیش گرفته است. اما در بیانیه بی که به طور رسمی از طرف وزارت امور خارجه روسیه منتشر شد، این کشور اعلام کرد که، همچنان با ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی مخالف است. «بوری کابرالف» در مصاحبه مطبوعاتی خود در روز ۱۴ نوامبر، اعلام کرد که هیچ «نرمشی» در تفکر مسکو نسبت به سیستم (ا-بی-ام) به وجود نیامده است.

او اضافه کرد که «یاکوف» مسئول نظرات خود است و تنها پوتین است که می تواند در مورد مسایل سیاسی نظر بدهد. در همین باره پوتین در مصاحبه بی که در «اولان باتور» و قبل از حضور در جلسه سران کشور های عضو همبازی اقتصادی آسیای میانه انجام داد، بر کاهش هرچه بیشتر سلاحهای استراتژیکی و اینکه بتوان مطمئن شد که پس از جایگزینی کلینتون بوسیله رئیس جمهوری جدید، این روند ادامه یابد، تأکید کرد.

# راه پیمایی جهانی زنان، برای محو فقر و خشونت بر ضد زنان

بخشی از مشکل فقر در جهان اند.

■ ■ ■

در این جلسه، زنان اثرات شدید «برنامه تعدیل ساختاری» بر کشورهایشان را متذکر شدند، و خواستار پایان یک چنین سیاست هایی گردیدند. نمونه های جالب ارائه شده در این زمینه از جمله عبارتند از:

● دولت مصر، که در سال ۶۶-۶۷ ۵/۱ درصد تمام بودجه اش را در خصوص بهداشت سرمایه گذاری کرده بود، می باید آن را در سال ۹۴-۹۵ به ۱/۱ درصد کاهش دهد، که این خود نتایج بسیار اسف باری را بالخصوص برای زنان بوجود آورده است.

● در اوگاندا جایی که بهترین زمین ها به زراعت به منظور صادرات تخصیص یافته است، زنان چاره بی جز کار بر زمین های بوته زارهای حاشیه کویر و مناطق غیر مسطح ندارند و یا به بهره برداری شدید و خارج از اندازه از زمین که منجر به انهدام محیط زیست و نابودی تولید غذایی می شود، مجبور می شوند.

● در زیمبابوه، پس از اینکه پرداخت هزینه خدمات بهداشتی اجباری شد، مرگ زنان بر اثر زایمان شدیداً افزایش یافته است، متوسط سن کاهش یافته است و برنامه نظارت و کنترل بیماری سل ناگهان متوقف گردیده است.

● در زامبیا کشوری که ۲۰ درصد از جمعیت حامل ویروس «HIV» اند که مقدمه بیماری ایدز است، دولت فقط سالانه ۱۷ دلار برای هر شهروند به امر خدمات بهداشتی تخصیص می دهد، در حالیکه ۳۰ دلار صرف باز پرداخت بدهی های خارجی و بهره آنان می کند.

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی که هیچ پاسخی به این احساسات خشمگینانه و حقایق عربان نداشتند، «تاسف» خود را از اینکه «زنان سیاست های آنان را فهمیده اند» بیان داشتند. زنان در پاسخ به این تهرات اعلام کردند که «شما تنها کسانی نیستید که متاسف خواهید بود.» نمایندگان «راه پیمایی جهانی زنان» خاطر نشان کردند که در حالی که جهانی شدن می توانست اهرم قابل توجهی را برای همبستگی در میان مردم و فرهنگ ها ایجاد کند، بدلیل تصمیم قدرتمندان جهان بر تسلط معنای کیفی پیدا کرده است، «حقوق مردم مورد محافظت قرار نمی گیرند، بلکه زیر فشار بازار عملاً زیر پا لگدمال شده است.»

خواسته های «راه پیمایی جهانی زنان» شامل بندهای زیرین بود:

- اعمال مالیاتی بین یک دهم تا پنج دهم درصدی بر تمامی معاملات دلالتی ارزی (اسپیکولاتیو ارزی) که واحد پولی ملی کشورها را مورد تهدید قرار می دهد و اقتصادها را به رکورد می کشد،

- تضمین اینکه کشورهای توسعه یافته از محل تولید ناخالص ملی خود، همان طور که مورد موافقت قرار گرفته است، بخشی را به عنوان کمک به توسعه اختصاص دهند. این امر در سال ۱۹۹۶ به ۲۵ درصد سقوط کرد. در حالی که ایالات متحده که باقی جهان را زیر فشار قرار داده است که از جهانی شدن تبعیت کنند، خود در صدر کشورهای است که کمترین میزان کمک را می کنند،

- لغو بدهی خارجی کشورهای فقیر، چون این خود بیشترین فشار را به مردم وارد می کند. دولت های کشورهای جنوب آفریقا، در حال حاضر چهار برابر آنچه بهداشت و آموزش خرج می کنند، برای بازپرداخت بدهی های خود صرف می کنند.

هیئت سیاسی راه پیمایی جهانی زنان، نزدیک به پنج میلیون امضا جمع آوری شده در حمایت از خواسته های خود را به معاون دبیر کل سازمان ملل تحویل دادند و با مشاوران دبیر کل در مورد امور مربوط به زنان به بحث نشستند. کوفی عنان دبیر کل

میدان «همرسکجولد»، در نزدیکی مقر مرکزی سازمان ملل متحد در شهر نیویورک، در روز ۲۶ مهر ماه، از زنان رنگین پوست اقصی نقاط جهان موج می زد. زنان در جامه های مختلف و رنگارنگ ملی، شمارگوییان، با در دست داشتن پرچم ها و پلاکاردها حاوی شعارهای مبارزه جوانه مناسب، مصمم و متحد طلب حقوق پایه ای خود، از رهبران سازمان ملل متحد خواستار اقدام عملی و عاجل بودند. جمعی از زنان مبارزه جو، در حالی که کالسکه های کودکان خود را همراه داشتند، به زبانهای مختلف سخنرانی می کردند.

نمایندگان تقریباً ۶ هزار «سازمان زنان» از سراسر دنیا، در نیویورک جمع شده بودند تا برای محو فقر و خشونت بر ضد زنان، در مرحله نهایی «راه پیمایی جهانی زنان سال ۲۰۰۰» شرکت کنند. این راه پیمایی نقطه اوج کوششی بود که دو سال پیش توسط انجمن زنان «کوبک»، در مخالفت با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به دلیل تحمیل مدل سرمایه داری نولیبرالی به ویژه به کشورهای «جهان سوم» که منجر به هرج و مرج اقتصادی و وخیم تر شدن وضعیت زندگی مردم در کل و خصوصاً زنان، آغاز گردید. اعلامیه های تظاهرکنندگان، ضمن هدف قرار دادن صریح مقصران در ایجاد وضعیت کنونی در جهان، دلایل نیرومندی را مبنی بر محکومیت آنان ارائه داد و در عین مطرح کردن اقدامات چاره ساز برای بهبود وضعیت، مدل های دیگری را برای توسعه پیشنهاد می کردند.

این حرکت سازمان یافته و قابل تقدیر، پاسخی الهام بخشی در میان زنان اقصی نقاط جهان یافت. انعکاسی از این پاسخ راه پیمایی بیش از ۱۰/۰۰۰ زن در نیویورک بود که با یک گردهمایی و سخنرانی های سیاسی و برنامه های فرهنگی همراه بود.

## تدارکات قبلی

مبارزه زنان در سراسر گیتی، در ماه های قبل از این تظاهرات بیش در آمد حرکتی بود که در نوع خود کم نظیر بود.

در مراکش ۵۰۰/۰۰۰ نفر در رباط با شعار «ما همه بر کره ارض مشترکا زندگی می کنیم، بیایید در ثروت شریک شویم» تظاهرات کرده بودند. در هائیتی، طوماری از تقاضاهای زنان، بطور نمادین، بر صفحات نوعی مقوا، که مردم بی خانمان در حلبی آبادها به جای رختخواب از آن استفاده می کنند، تهیه شده بود. در جمهوری دموکراتیک کنگو، هشتم مارس «روز خلاصی زن» از وظایف دشوار خانوادگی و اجتماعی مصوب شد و به مثابه روز سوگواری و تعمق در مورد فقر و شرایط اسفناک زنان تلقی گردید. در ژنو، زنان اروپایی در مقابل ساختمان «سازمان تجارت جهانی» تظاهرات کردند. در برزیل، زنان روبه روی بازار بورس ساو پولو باکوئیدن قابلمه و لگن انهدام کشور را به دلیل اقتصاد بازار برجسته کردند. در هندوستان، سازمان های گوناگون زنان با برگزاری گردهمایی ها و انتشار نشریات افشاگرانه، نقش مخرب «جهانی کردن اقتصاد» کشور را مورد حمله قرار دادند.

هدف اصلی و اساسی خشم تظاهرکنندگان متوجه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بود، که در پشت درهای بسته و پنهان از انظار مردم جهان، در مورد سرنوشت آنان تصمیم می گیرند.

روز قبل از راه پیمایی، نمایندگان «راه پیمایی جهانی زنان» با رهبران بانک جهانی و مدیر عامل صندوق بین المللی پول ملاقات و گفتگو کردند. به گفته تظاهرکنندگان، هدف از تشکیل این جلسه با مقامات رسمی، نه «گفتگوی سازنده» و نه «مذاکره» با مقامات رسمی بود، بلکه فقط برای این بود که به آنان گفته شود که «این نهادها به دلیل سیاست هایی که بر مردم تحمیل می کنند، خود

ادامه در صفحه ۵

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:597  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

28 November 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۲۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

## حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک



## کارگران همه کشورها متحد شوید!

دستور داده است و ماموران نیز می گویند، درست است که ما از مافوق دستور گرفتیم، اما کور کورانه عمل نکردیم، ما این افراد را منحرف و وابسته به خارج می دانستیم.»

ناصر زرافشان وکیل خانواده های پوینده و مختاری در باره این پرونده اظهار داشت: «در تمام آقاری، اعترافات و اوراق پرونده جز در یک مورد که آن هم به شکل تصادفی بوده است، هیچ اسمی از سعید امامی نیامده و این فرد آدمی است که بنا به مندرجات اعلامیه اصلی سازمان قضایی نیروهای مسلح، عامل اصلی طرح قتل ها معرفی شده است در حالی که پرونده ای که در حال حاضر وجود دارد طوری است که آدم باید بر مظلومیت سعید امامی گریه کند. اگر آدم گناهکار نبود چرا دستگیر شد؟» (همبستگی، شنبه ۵ آذر)

محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز در این باره گفت: «پرونده قتل های زنجیره ای، به دلیل کارشکنی ها و اعمال نفوذ باندهای مافیایی، از مسیر اصلی خود خارج شده بنا براین مسئولان مربوطه از جمله

ادامه در صفحه بعد

## نگاهی به رویدادهای ایران

### در هفته ای که گذشت

#### دادگاه فرمایشی برای پنهان کردن چهره واقعی آمران قتل های زنجیره ای

در پی اعلام قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه، مبنی بر اینکه روز سوم دی ماه سال جاری پرونده قتل های زنجیره ای در دادگاه گشوده می شود، تحركات سیاسی جدیدی آغاز شده است که تا کنون ادامه دارد. در پی این اعلام، هادی مروی معاون قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه، در سخنانی که در روزنامه «همبستگی» شنبه ۵ آذر به چاپ رسید، گفت که سعید امامی، موسوی و علیخانی به عنوان «آمران اصلی» مطرح اند. وی گفت: «در گفت و گوی من با موسوی، وی اعتراف کرد که

ضمیمه

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۹۷، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۱۵ آذر ۱۳۷۹

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت ۱۶ آذر

# «اتحاد، مبارزه، پیروزی» شعار مردمی جنبش دانشجویی و یگانه راه غلبه جنبش بر ارتجاع و استبداد حاکم!

استبدادی حاکم تبدیل کرد.

### دانشجویان مبارز!

سه سال از پیروزی شکوهمند دوم خرداد ۱۳۷۶، یعنی فرزاندم تاریخی مردم ما بر ضد رژیم ارتجاع، یعنی «نه» تاریخی بیست میلیون ایرانی به نامزد اصلح «ولی فقیه» و انضارش می گذرد. پیروزی که دانشجویان و جوانان کشور، در کنار زنان دلیر و کارگران و زحمتکشان نقش ارزنده ای در آفرینش آن ایفاء کردند. سه سال پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، تجربه آموزنده مردم ما نشان داد که ارتجاع حاکم مصمم است با اتکا به اهرم های «قانونی»، از جمله اصل «ولایت فقیه»، در قانون اساسی، که اساس استبداد مطلق و فردی در میهن ماست و تمامی فصول مترقی قانونی اساسی را در واقع بی ارزش و غیر قابل اجرا می کند، و تکیه بر انواع و اقسام نهاد های مسلح و نیم مسلح سرکوبگر سد راه اجرای اراده توده ها و تحقق دموکراسی و جامعه مدنی گردد. سه سال پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، هنوز قاتلان حرفه ای در شمایل فلاحیان، شریعتمداری، نظری و صد ها سرباز «گمنام» ارتجاع خون ریز و مرتجعانی که فتوی کشتار دگرانديشان را صادر می کنند، تاریک اندیشانی همچون جنتی ها، مصباح یزدی ها، یزدی، محسنی اژه ای و دیگران همچنان بر اریکه قدرت تکیه زده اند و نویسندگان و دگرانديشان را به بیدادگاه ها، شکنجه خانه های تاریک و خانه های امن قتل و جنایت اعزام می کنند. دو سال پس از جنایت تکان دهنده قتل های زنجیره ای پروانه و داریوش فروهر، مختاری، پوینده و شریف و بررغم روشن بودن سرنخ ها و ارتباط این قتل ها با عالی ترین ارگان های تصمیم گیری رژیم، هنوز نه تنها هیچ دادگاه عادلانه به این جنایات رسیدگی نکرده است، بلکه افشاگران این پرونده و سایر جنایات رژیم در شکنجه گاه ها زیر فشارند تا از «گناهان» خود «توبه» کنند و از «رهبر» تقاضای بخشش نمایند.

هنوز خون دانشجویان قهرمان کوی دانشگاه تهران، که در ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸، مورد یورش وحشیانه مزدوران مسلح و غیرمسلح انصار «ولی فقیه» قرار گرفتند بر سنگفرش ها گرم است که سازمان دهندگان این جنایات، «سردار نظری» و شرکا به عنوان «قهرمان دفاع از ولایت» از «دادگاه ها» فرمایشی رژیم تبرئه می شوند و در مقابل، صدها دانشجو مترقی، به زندان های طویل المدت محکوم می شوند و یا

ادامه در صفحه بعد

### دانشجویان مبارز و آزادی خواه ایران!

با فرا رسیدن ۱۶ آذر ماه ۱۳۷۹، چهل و هفت سال از روز ایستادگی قهرمانانه دانشجویان دلیر دانشگاه تهران در مقابل مزدوران رژیم کودتای شاه می گذرد. در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، دانشجویان دانشگاه تهران، مصطفی بزرگ نیا، عضو رهبری سازمان جوانان توده ایران، مهدی شریعت رضوی، عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قنچی، از دانشجویان عضو جبهه ملی ایران، در اعتراض به سفر ریچارد نیکسون، معاون وقت ریاست جمهوری آمریکا، به ایران، همراه با هزاران دانشجوی دیگر دست به تظاهرات گسترده ای زدند و سینه های پرومند خود را در برابر گلوله های مزدوران رژیم ستم شاهی قرار دادند و با شهادت خود سنتی را پایه گذاری کردند که تا به امروز در دانشگاه های میهن ما پاسداری می شود. سنت خجسته ایستادگی در برابر ظلم و استبداد، سنت دفاع از حقوق پایمال شده توده های کار و زحمت و سنت پیکار در راه استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی.

جنبش دانشجویی کشور در پنج دهه گذشته، همواره یکی از پیکار جو ترین نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات و استقرار دموکراسی در ایران بوده و بدین مناسبت با حملات سنگین و وحشیانه ارتجاع روبه رو شده است.

دانشجویان مبارز میهن ما، در تمامی بیست و پنج سال حکومت ستم شاهی، ۱۶ آذر، روز تجدید عهد با آرمان های والای جنبش دانشجویی را، بررغم شرایط اختناق و ترور برگزار کردند و توانستند نقش والایی در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و سرنگونی رژیم ستم شاهی ایفاء کنند. برای مرتجعان حاکم محیط های آموزشی، و هزاران دانشجوی روشنفکر و مترقی میهن ما، از همان نخستین سال های انقلاب، تهدید جدی بود که می باید با انواع و اقسام ترفندها آنرا مهار و سرکوب کرد و سکوت گورستانی را بر دانشگاه های کشور حاکم کرد. یورش به دانشگاه های کشور، زیر لوای «انقلاب فرهنگی»، در دهه شصت، بستن دانشگاه ها، پاکسازی هزاران دانشجو و استاد مترقی و دگرانديش زیر پوشش سیاست های عمیقاً ارتجاعی «گزینش» و دستگیری و اعدام ده ها دانشجوی مترقی و آزادی خواه ایران، در جریان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی، اعزام هزاران تن از مأموران رژیم به دانشگاه ها و در واقع نظامی کردن محیط های آموزشی، نه تنها نتوانست مشعل فروزان جنبش دانشجویی را خاموش کند، بلکه محیط های دانشجویی کشور را بار دیگر به یکی از مهم ترین و وسیع ترین پایگاه های اجتماعی مبارزه بر ضد رژیم

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

# برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه رویدادهای ایران

وزارت اطلاعات و قوه قضائیه باید برای جلوگیری از سلب اعتماد مردم، زوایای تاریک این جریان را روشن کنند. (همبستگی، ۳ آذر) در همین حال، سازمان قضایی نیروهای مسلح در اطلاعیه ای اعلام کرد: «به دستور ریاست قوه قضائیه به سازمان قضایی نیروهای مسلح با نظریه پردازان پیرامون قتل های زنجیره ای و یا کسانی که با پخش تهمت و افترا موجبات تشویش آذهان عمومی را فراهم می کنند، برخورد قاطع می شود.» (آفتاب یزد، دوشنبه ۷ آذر)

جبهه مشارکت در اطلاعیه ای که به همین مناسبت منتشر کرد با بیان اینکه در حال حاضر مسئولیت اصلی این پرونده بر عهده قوه قضائیه است و در آزمون بزرگ قرار گرفته، اعلام کرد که، از ابتدای افشای قتل های سیاسی عده ای سخت کوشیده اند تا با شبهه افکنی و تخریب قضایا مانع از پیدا شدن سرخ های اصلی این جریان شوم شوند و با حمایت پیدا و پنهان از آنها و با استفاده نامشروع از همه ابزارها، حتی با القای دسترسی به پرونده، ذره ای در غبار آلود کردن فضای سیاسی کشور کوتاهی نکرده اند. (حیات نو، سه شنبه ۸ آذر) وزیر اطلاعات نیز در خصوص علنی بودن یا غیر علنی بودن دادگاه متهمان پرونده قتل های زنجیره ای گفت: «فقط قضایی است که می تواند در این باره نظر بدهد، من مشرف به پرونده نیستم.» (همبستگی، ۱۰ آذر) وی در مورد دستگیری پخش کنندگان شب نامه ۸۰ صفحه ای که در ارتباط با همین پرونده می باشد گفت که چند نفر را در شهرستان ها شناسایی و دستگیر کرده ایم که جزئیات آن متعاقباً اعلام می شود. اکبر گنجی روز پنجشنبه در جریان دادگاه خود به افشای بیشتری از جریان قتل های زنجیره ای پرداخت و طی سخنانی که به وسیله خبرنگاری ها منتشر گردید و قسمتی های از آن در داخل ایران سانسور گردید، به مواردی اشاره کرد که در آن دخالت افرادی همچون محسنی اژه ای، مصباح یزدی، فلاحیان، حسینیان و طلاب مدرسه حقانی را به وضوح افشا می کند. گنجی در جریان این بیدادگاه گفت که جرم اصلی او پیگیری داستان قتل های زنجیره ای است. او گفت که، فلاحیان وزیر سابق اطلاعات شاه کلید قتل های زنجیره ای است.

عبدالکریم لاهیجی از فعالان حقوق بشر اخیراً در جریان یک سخنرانی در پاریس، با استناد به اطلاعات دریافتی از داخل ایران به شرح و توضیح جزئیات ربودن و نحوه به قتل رساندن، زنده یادن فروهرها، مختاری و دیگران پرداخت که اوج قساوت و ددمنشی آمران و عاملین این جنایات هولناک را می رساند. با توجه به مطالب بالا، اینک که پس از دو سال بنا به اعلام قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه، قرار است جریان رسیدگی به این پرونده آغاز شود، اولین و مهم ترین مسئله ای که سعی می شود از طرف سرکوب گران به مورد اجرا گذاشته شود، همانا از زیر ضرب خارج ساختن عوامل اصلی در جریان این پرونده است. با اینکه خواست اصلی خانواده قربانیان و تمامی نیروهای مترقی این است که دادگاه متهمان به صورت علنی برگزار شود، منتها از لحن گفته های مقامات قضایی اینطور استنباط می شود که آنها قصد غیر علنی برگزار کردن دادگاه را دارند. این مسئله از آن روح حائز اهمیت است که با توجه به سابقه قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه مبنی بر تبرئه متهمان در دیگر دادگاه ها همچون، دادگاه کوی دانشگاه و همچنین محاکمات روزنامه نگاران و فعالان سیاسی و غیره، امید بی ریشه یابی این پرونده از طرف قوه قضائیه از طرف هیچ کس نیست. تمامی هم و غم خانواده قربانیان و دیگر نیروهای مترقی بر این اصل استوار است که با علنی برگزار کردن این دادگاه حقایق امر روشن شود. نباید اجازه داد این پرونده به سرنوشت دیگر پرونده های نظیر دچار شود. این وظیفه تمامی نیروهای مترقی است که با افشاگری های هر چه گسترده تر، این دادگاه را به محاکمه رژیم تبدیل کنند که اساس موجودیت آن بر ترور، شکنجه، اعدام و کشتار دگراندیشان استوار است. به دلیل گستردگی قتل ها که در طول نزدیک به بیست و دو سال حیات این رژیم رخ داده است، حساسیت این پرونده که به میزان زیادی به سرنوشت جنبش مردمی گره خورده است، بیش از پیش بایستی مورد توجه قرار گیرد.

## ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

همچنان بدون محاکمه و اثبات جرمی در چنگال شکنجه گران رژیم اسیرند.

## دانشجویان مبارز و آزادی خواه!

شما روز ۱۶ آذر را در شرایطی گرامی می دارید که جنبش مردمی برای اصلاحات، برای طرد ارتجاع و استقرار یک حکومت متکی به آرای مردم، دوران دشوار و بحرانی را از سر می گذارد. بی عملی و مماشات رهبری سیاسی جبهه دوم خرداد زیر لوای شعار «آرامش فعال»، در ماه های اخیر، جنبش مردمی را در مقابل تهاجم وسیع و سازمان یافته ارتجاع حاکم با مخاطرات جدی روبه رو کرده است. بستن بیش از ۳۰ نشریه مدافع اصلاحات، دستگیری شمار زیادی از نویسندگان و شخصیت های سیاسی - اجتماعی مخالف استبداد و تشدید جو فشار و اختناق و تهاجمات جدید بر ضد گردان های اجتماعی مدافع اصلاحات، از جمله دانشجویان، کارگران، زحمتکشان و زنان، بخشی از توطئه سهمگینی است که هدف آن متوقف کردن روند اصلاحات و بازگرداندن اوضاع به شرایط پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ است. ارتجاع در مقابل عقب نشینی رهبری جبهه دوم خرداد هر روز تعرضات جدیدی را سازمان دهی می کند و از هم اکنون در تدارک انتخابات آینده و حذف خاتمی به عنوان یگانه نامزد جبهه دوم خرداد است.

حزب ما اکنون ماههست که ضمن هشدار باش پیرامون این خطرات اعلام کرده است که نباید تهاجمات ارتجاع را بی پاسخ گذاشت. مقابله با ترفندها و تهاجمات ارتجاع به معنی روی آوردن به خشونت نیست بلکه بدان معناست که با مخالفت وسیع و سازمان یافته اجتماعی با استفاده از همه وسایل موجود و ممکن می توان ارتجاع را به عقب نشینی وادار کرد. باید تلاش کرد و با سازمان دهی جنبش، حرکت های پراکنده ولی وسیع دانشجویی را با اعتراضات کارگری و جنبش زنان میهن ما پیوند زد و حرکت های نیرومند و هر چه گسترده تری را بر ضد ارتجاع و استبداد سازمان دهی کرد. تجربه سه سال گذشته نشان داده است که نیروهای اجتماعی، یعنی کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و دانشجویان موتور محرک اصلاحات و نیروهای قابل اتکا برای پیکار در راه آزادی در ایرانند. این نیروهای عظیم اجتماعی را باید برای حرکت های مشترک، آگاه و متحد بر ضد استبداد حاکم سازمان دهی کرد، بدون این چنین سازمان یافتگی، ارتجاع می تواند جنبش را با مخاطرات جدی تری روبه رو کند.

حزب توده ایران، طی شش دهه تاریخ پر از فراز و نشیب همواره در کنار جنبش دانشجویی، جوانان و دانشجویان مترقی میهن ما برای آزادی، دموکراسی و تحقق حقوق صنفی دانشجویان تلاش کرده است. توده ای ها در طول ۶۰ سال گذشته شهدای بی شماری را در این راه داده اند و افتخار می کنند که بخش فنا ناپذیری از تاریخ جنبش دانشجویی میهن ما، از جمله ۱۶ آذر ارتباطی گسست ناپذیر و تنگاتنگ با تاریخ حزب توده ایران دارد. حزب توده ایران ضمن شادباش روز ۱۶ آذر، روز دانشجو و روز تولد شعار مردمی «اتحاد، مبارزه، پیروزی» بار دیگر همبستگی خنل ناپذیر خود را با دانشجویان زندانی و جنبش دانشجویی کشور اعلام می کند.

فرزنده بان روز ۱۶ آذر، روز همبستگی رزمجویانه با پیکار

دانشجویان قهرمان ایران

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم ولایت فقیه!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲ آذرماه ۱۳۷۹

5th December 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۳۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 597  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.